

رابطه خلاقیت کارکنان با بهزیستی ذهنی و هوش معنوی در معلمان شهرستان نمین

فردین فروغی سوها^۱

فریبا ایزدخواه^۲

حکیمه قبادی^۳

مهرانگیز نوری^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه خلاقیت کارکنان با بهزیستی ذهنی و هوش معنوی در معلمان شهرستان نمین صورت گرفت. تحقیق حاضر از نظر ماهیت محتوایی توصیفی-همبستگی و از منظر هدف کاربردی و از لحاظ گردآوری داده‌ها پیمایشی و تک مقطعی می‌باشد. شرکت کنندگان در پژوهش حاضر با به عبارتی جامعه آماری تحقیق، معلمان شاغل در شهرستان نمین به تعداد ۹۰۵ نفر (۴۳۲ نفر زن و ۴۷۳ نفر مرد) در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ می‌باشد. با توجه به پراکندگی موجود در جامعه آماری، امکان بررسی تمام اعضا میسر نبود، از این رو بر اساس جدول مورگان و با بکار بست روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای و نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نمونه‌ای به حجم ۲۷۰ نفر انتخاب شدند. بدین صورت که در مرحله اول مدارس بصورت تصادفی انتخاب شده و بعد، از بین مدارس منتخب، معلمان بصورت تصادفی بعنوان نمونه آماری انتخاب شدند. اطلاعات لازم برای پاسخ به سوال و بررسی فرضیه‌های پژوهش، از طریق پرسشنامه‌های کتبی جمع آوری شده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و از دو روش توصیفی و استنباطی استفاده شد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که، هوش معنوی و بهزیستی ذهنی می‌توانند ۰/۶۶ از تغییرات خلاقیت در معلمان شهرستان نمین را تبیین کنند. همچنین بر اساس نتایج بدست آمده، رابطه هوش معنوی و بهزیستی ذهنی با خلاقیت معلمان به ترتیب $(I^2=0/81)$ و $(I^2=0/78)$ بدست آمده که بر اساس جدول میلر، رابطه بسیار قوی و قوی تبیین می‌گردد. بر اساس نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود به ارزش‌ها و باورها در محیط کار توجه شده و جو سازمانی به گونه‌ای باشد که معلمان با شادابی و آرامش ذهنی در مدرسه حضور پیدا کنند.

واژگان کلیدی

بهزیستی ذهنی، هوش معنوی، خلاقیت

۱. دانشجوی دکتری علوم تربیتی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول: fardin.foroghi.2018@gmail.com)

۲. کارشناس علوم تجربی، آموزش و پرورش استان اردبیل، ایران.

۳. کارشناس علوم تربیتی، آموزش و پرورش استان اردبیل، ایران.

۴. کارشناس مدیریت حرفه‌ای امور فرهنگی، آموزش و پرورش استان اردبیل، ایران.

مقدمه

با توجه به تغییر و تحولات سریع و گسترده صورت گرفته از لحاظ تکنولوژی، فرهنگی، جمعیتی و اقتصادی در دانش‌بینان عصر حاضر، خلاقیت کارکنان به عنوان یکی از چالش‌های بسیار مهم پیش‌روی سازمان‌ها به منظور پروراندن و رشد کارکنان و ارتقای شایستگی محوری شرکت‌ها تبدیل شده است (پراهلد، هامل، ۱۹۹۰). بررسی این مسئله نه تنها در راستای بقا، بلکه برای حفظ و تداوم روند مزیت رقابتی پایدار در بازار جهانی نیز اهمیت دارد (آماویل، ۱۹۹۶، ۲، ایکسا و تانگ، ۲۰۱۱، ۳). به عبارتی سازمان‌ها بیش از پیش و به شیوه‌های متنوع به دنبال تقویت خلاقیت در کارکنان خود هستند (هیرست، وندیک، وان، ۲۰۰۹، ۴). خلاقیت و تولید افکار و اندیشه‌های جدید توسط مدیران و کارکنان سازمان دارای اهمیت ویژه‌ای است و این مهم در سازمان از جایگاه والایی برخوردار است. امروزه سازمان‌هایی موفق هستند و می‌توانند در دنیای پر رقابت ادامه حیات دهند که دائماً افکار و اندیشه‌های جدید را در سازمان کاربردی کنند و این امر توسط مدیران و کارکنان خلاق امکان‌پذیر است. خلاقیت برای بقای هر جامعه و هر سازمانی لازم و ضروری است. و برای ایجاد و تداوم آن در سازمان‌ها بایستی عادت به تفکر را در مدیران و کارکنان ایجاد کرد؛ چرا که خلاقیت با تفکر به وجود می‌آید. وقتی تفکر برای انسان سازمانی عادت شود به دنبال آن خلاقیت و تولید افکار و اندیشه‌های جدید در تک تک کارکنان به صورت یک امر روزمره و همیشگی درآمده و نهادینه می‌گردد و سازمان تبدیل به یک سازمان خلاق می‌شود که حاصل آن ایجاد سینرژی در خلاقیت است (سلطانی، ۱۳۸۲: ۲۶).

اسکات ۵ (۲۰۱۵) نوآوری و خلاقیت را از جمله شایستگی‌های بسیار مهم در یک جامعه مبتنی بر دانایی می‌داند. اکنون، چند دهه است که خلاقیت به عنوان یکی از توانایی‌های ذهنی انسان مورد توجه اندیشمندان علوم بشری قرار گرفته است (کهن و عصاره، ۱۳۹۰). بدون شک پیشرفت‌های جدید در عرصه‌های زندگی بشر، از طریق خلاقیت و نوآوری حاصل شده است و از آنجایی که آموزش و پرورش یکی از عوامل اساسی به وجود آورنده تفکر خلاق به شمار می‌آید و بیشتر کوشش آن صرف پرورش انسان‌های خلاق و مبتکر می‌شود، باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد (وایز، ۲۰۰۳). خلاقیت در آموزش و پرورش همانند سواد یک مهارت اساسی زندگی است که نسل‌های آینده ما را، برای بقا و رشد در قرن ۲۱ مهیا می‌سازد. برای نیل به این منظور در طراحی آموزشی معلمان می‌بایست به ارتقای عنصر خلاقیت هم در معلمان و هم در دانش‌آموزان به طور ویژه توجه گردد (کهن و عصاره، ۱۳۹۰). از نظر جان برجی ۶ (۲۰۱۸) مهم‌ترین موضوع سیستم آموزشی امروز، استفاده از خلاقیت است. به همین سبب رشد خلاقیت در افراد می‌بایست از زمان تولد آنها مورد حمایت قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین عنصری که می‌تواند منجر به تعالی و خلاقیت در فراگیران شود، معلم و خلاقیت آن است. معلمان خلاق در فرآیند یاددهی یادگیری به گونه‌ای متفاوت عمل می‌کنند. آنها جوی در کلاس ایجاد می‌کنند که دانش‌آموزان بتوانند راه‌حل‌های مختلفی برای حل مسئله به کار بگیرند و از آزمون و خطا نهراسند. معلمان خلاق افرادی هستند که توانایی تولید ایده‌های بیشتری دارند و جریان تولید ایده‌ها نزد او از انعطاف‌پذیری ذهنی بالایی برخوردار است. او در جریان تولید ایده‌هایش، ایده‌هایی بدیع و ابتکاری نیز تولید می‌کند

¹ Prahalad, Hamel

² Amabile

³ Xia Y, Tang

⁴ Hirst, Van Dick, Van

⁵ Scat

⁶ Cenberci

که این ایده‌ها به ذهن کمتر کسی خطور می‌کند. ابعاد انگیزشی خلاقیت ناظر به انگیزه‌درونی فرد است و وی را بر آن می‌دارد که بدون آن که الزاما پاداش بیرونی بهزیستی ذهنی در وجود داشته باشد، به شکل مستمر و پیگیر به کار مورد علاقه‌اش بپردازد (کهن و عصاره، ۱۳۹۰).

طبق یافته‌های پیوسته گر، دستجردی، دهسیری (۱۳۸۹) یکی از متغیرهایی که می‌تواند خلاقیت در سازمان و سیستم را تحت تاثیر قرار دهد، بهزیستی ذهنی در افراد است؛ لذا توجه به احساس بهزیستی یا رضایتمندی افراد و رابطه آن با خلاقیت امری ضروری است. شادکامی و بهزیستی ذهنی موجب رشد متعادل و سلامت آدمی می‌شود و راه را جهت پرورش صحیح‌تر و وسیع‌تر استعدادهای وی هموارتر می‌سازد. بر اساس یافته‌های کار، بهزیستی ذهنی و شادکامی باعث می‌شود که شخص به شیوه اجتماعی، خردمندانه و یا هنرمندانه بازی و خلق کند. بهزیستی ذهنی به دامنه‌ای از پدیده‌های ذهنی اطلاق می‌شود که رضایت کلی فرد از زندگی، احساسات خوشایند، ناخوشایند و خشنودی در قلمروهای مشخص مانند کار، اوقات فراغت و زندگی زناشویی را در بر می‌گیرد. بهزیستی ذهنی شامل دو مؤلفه عاطفی و شناختی است. افرادی که احساس بهزیستی روانی بالایی دارند هیجانات مثبت را تجربه می‌کنند و از رویدادهای پیرامون خود ارزیابی مثبتی دارند، در حالی که افراد با احساس بهزیستی پایین رویدادها و موقعیت زندگیشان را نامطلوب ارزیابی می‌کنند و بیشتر هیجانات منفی مانند اضطراب، افسردگی و خشم را تجربه می‌کنند. در رابطه با تعریف بهزیستی ذهنی، می‌توان اشاره کرد که تعریفی جامع و مانعی وجود ندارد و در ادبیات داخلی و خارجی این سازه در ابعاد مختلف تعریف شده است. به طور کلی بهزیستی ذهنی به دامنه‌ای از پدیده‌های ذهنی اطلاق می‌شود که رضایت کلی فرد از زندگی، احساسات خوشایند، ناخوشایند و خشنودی در قلمروهای مشخص مانند کار، اوقات فراغت و ... را در بر می‌گیرد. افرادی که احساس بهزیستی روانی بالایی دارند هیجانات مثبت را تجربه می‌کنند و از حوادث و وقایع پیرامون خود ارزیابی مثبتی دارند، در حالی که افرادی با احساس بهزیستی پایین حوادث و موقعیت‌های زندگیشان را نامطلوب ارزیابی می‌کنند، بیشتر هیجانات منفی مانند اضطراب، افسردگی و خشم را تجربه می‌کنند (دینر و همکاران، ۲۰۱۷). علاوه بر بهزیستی ذهنی، یکی دیگر از مهم‌ترین عواملی که به عنوان عامل تاثیرگذار بر سطح خلاقیت شناخته می‌شود، هوش معنوی افراد است (عیسی‌زاده و نجات، ۱۳۹۵)؛ چرا که این نوع از هوش، نوعی سازگاری و رفتار است که به فرد در جهت هماهنگی با محیط، سلامت، بهبود عملکرد، خلاقیت و غیره یاری می‌رساند (رحیمی و حسین‌پور، ۱۳۹۳). هوش معنوی یکی از انواع هوش است که از مجموعه توانایی‌ها و علایق معنوی، ویژگی‌های شخصیتی، توانایی‌های شناختی خاص و فرآیندهای عصب‌شناختی به دست می‌آید؛ و مجموعه‌ای از فعالیت‌هاست که علاوه بر لطافت و انعطاف‌پذیری در رفتار موجب خودآگاهی و بینش عمیق فرد به زندگی و هدفدار بودن آن به گونه‌ای که فراتر از دنیای مادی، اهداف ترسیم می‌گردد (خسروی، ۱۳۹۷). این تعریف و به صورت کلی، هسته اصلی تمامی تعاریف هوش معنوی تمرکز بر حل مسئله برای سازگاری و رسیدن به اهداف است؛ هوش معنوی با تقویت معنویت موجب ثبات صفات پسندیده می‌شود و فرد به سوی پیشرفت و رسیدن به خودشکوفایی حرکت می‌کند (بهمئی و همکاران، ۱۳۹۷). از نظر کوئینگ^۲ و همکاران (۲۰۱۱) ارتباط معنی‌داری بین دین و مذهب با بهزیستی، شادمانی، رضایت از زندگی، امید و خوش‌بینی، هدفمندی و معنا در زندگی، عزت نفس بالا، حمایت اجتماعی بالاتر و احساس تنهایی و خودکشی کمتر، اضطراب

¹ Diener & et al.

² Koenig & et al.

کمتر وجود دارد. همچنین مطالعات نشان داده‌اند که داشتن اعتقادات دینی قوی می‌تواند فرآیند سازش یافتگی با داغ‌دیدگی را تسهیل کند. بنابراین با توجه به پژوهش‌های انجام شده می‌توان دین را یکی از عوامل اصلی در پیش‌بینی و ارتقای سلامت روان به شمار آورد. در این راستا، باور به آخرت یکی از عناصر اصلی ادیان الهی است و عمل بر طبق این باور نیز دارای نقش مهم است (مقدم، محمدقلی، ۱۴۰۲). معنویت یکی از نیازهای درونی انسان است که برخی از صاحب‌نظران، آن را متضمن بالاترین سطوح زمینه‌های رشد شناختی، اخلاقی، عاطفی و تلاش همواره آدمی برای پاسخ دادن به چراهای زندگی می‌دانند. هوش معنوی به عنوان زیربنای باورهای فرد نقش اساسی در زمینه‌های گوناگون به ویژه ارتقاء و تامین سلامت روانی دارد (یعقوبی، ۱۳۸۹). هوش معنوی، در بر دارنده نوعی سازگاری و رفتار حل مسئله است که بالاترین سطوح رشد را در حیطه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی، بین فردی و ... شامل می‌شود؛ و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده‌های اطراف و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌نماید. این هوش به فرد دیدی کلی در مورد زندگی و همه تجارب و رویدادها می‌دهد و او را قادر می‌سازد به چارچوب‌بندی و تفسیر مجدد تجارب خود پرداخته، شناخت و معرفت خویش را عمق بخشد (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۷). ولمن^۱ هوش معنوی را به عنوان ظرفیت انسان برای پرسیدن سوالات غایی درباره زندگی و تجارب همزمان و ارتباط هر یک از ما با دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم تعریف می‌کند (ولمن، ۲۰۰۱).

نمازیان و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان تاثیر آموزش هوش معنوی بر میزان گرایش به تفکر انتقادی و خلاقیت هیجان؛ بر این باورند که آموزش هوش معنوی در افزایش میزان گرایش به تفکر انتقادی در گروه مداخله تاثیر مثبت و معنی‌داری دارد. در مطالعه آسرینا، هرماوان و سیسوانتو^۲ (۲۰۲۰) در زمینه تاثیر هوش معنوی و هوش هیجانی از طریق خلاقیت بر قصد کارآفرینی در دانش آموزان مشخص شد که هوش معنوی و هوش هیجانی بر قصد کارآفرینی از طریق خلاقیت تاثیر مستقیم دارد. همچنین جورج، پیرس و آنتونیو (۲۰۱۹) مطالعه‌ای جهت بررسی نقش هوش هیجانی و معنوی در درک خلاقیت، نگرش نسبت به کارآفرینی، کنترل رفتاری درک شده و قصد کارآفرینی دانشجویان یک موسسه آموزش عالی پرتغال پرداختند. نتایج نشان داد بین هوش هیجانی در درک خلاقیت، نگرش نسبت به کارآفرینی، کنترل رفتاری ادراک شده و قصد کارآفرینی دانشجویان روابط مستقیم و غیرمستقیم وجود دارد. با توجه به ادبیات پژوهشی و پیشینه پژوهش، به نظر می‌رسد بین هوش معنوی، بهزیستی ذهنی و خلاقیت رابطه وجود دارد. که در پژوهش حاضر رابطه خلاقیت کارکنان با بهزیستی ذهنی و هوش معنوی در معلمان شهرستان نمین مورد بررسی قرار گرفته است. به طور خلاصه، مسئله تحقیق این است که آیا بین خلاقیت کارکنان با بهزیستی ذهنی و هوش معنوی در معلمان شهرستان نمین رابطه وجود دارد؟ آیا بالاتر بود میزان بهزیستی ذهنی در فرد، بالاتر بودن خلاقیت را به همراه دارد؟ آیا بالاتر بودن میزان هوش معنوی در افراد، بالاتر بودن خلاقیت را به همراه دارد؟ پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به سوالات فوق است. بر این اساس فرضیه‌های پژوهشی بصورت زیر تدوین شده است:

بهزیستی ذهنی و هوش معنوی توانایی پیش‌بینی خلاقیت در معلمان شهرستان نمین را دارند.

بین بهزیستی ذهنی با خلاقیت در معلمان شهرستان نمین رابطه وجود دارد.

بین هوش معنوی با خلاقیت در معلمان شهرستان نمین رابطه وجود دارد.

¹ Wolman

² Asrina, Hermawan, & Siswanto

۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

خلاقیت تأثیرات متعددی بر عملکرد افراد می‌گذارد که از جمله آن می‌توان به بروز خودشکوفایی اشاره داشت؛ زیرا خلاقیت موجب انتخاب چالش‌های بهینه شده و این امر موجب شکل‌گیری نیاز به پیشرفت در فرد و در نتیجه خودشکوفایی می‌شود (پورتنوا و همکاران ۱، ۲۰۲۰). محرابی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی رابطه بین خلاقیت کارکنان و اثربخشی سازمانی پرداختند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین خلاقیت و اثربخشی سازمانی در آذربایجان شرقی و اردبیل رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی سازمانی که از نیروی انسانی خلاق بهره‌مند گردد، عملکردی مطلوب در محیط‌های متلاطم از خود بروز خواهد داد. و این نوع رفتار خلاقانه سازمانی، اثربخشی را تضمین می‌نماید. حقیقی و معینی کربکندی (۱۳۹۴) در پژوهشی بررسی رابطه معنویت در کار با خلاقیت کارکنان بر این باورند که میان معنویت در کار و خلاقیت کارکنان رابطه مثبت و معنی‌داری برقرار است. به عبارتی چنانچه در معنویت در کار افزایش پیدا کند، خلاقیت کارکنان نیز افزایش می‌یابد. دونالد^۲ معتقد است برخورداری از معنویت به افراد کمک می‌کند تا هوشیاری خود را در سطحی خارق‌العاده توسعه دهند که مهم‌ترین جنبه آن افزایش شهود و خلاقیت است.

کوئینگ (۱۹۹۸) انسانی که از نظر روانی سالم است کسی است که نه تنها دچار اختلال روانی نیست، بلکه از هیجان‌های مثبت نیز برخوردار است و روحیه‌اش را از حالت یکنواخت و معمول زندگی فراتر می‌برد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند افراد شاد در ابعاد مختلف زندگی همچون سلامت ازدواج، دوستی، درآمد تحصیل و کار موفق‌ترند (لیوبومرسکی، کینگ و دینر^۳، ۲۰۰۵). بر اساس دیدگاه دینر و سلیگمن (۲۰۰۴) بالا بودن بهزیستی ذهنی در افراد اداره کشور را برای مسئولان تسهیل می‌کند زیرا افراد شاد با درآمدهای بالا، رفاه را در سطح جامعه افزایش داده و فرصت‌های بیشتری برای دیگران خلق می‌کنند و به دلیل برخورداری از سلامت روان بالا، روابط اجتماعی بهتری در سطح جامعه ایجاد می‌نمایند. همچنین ریف^۴ (۲۰۱۶) بر نقش مهم حمایتی بهزیستی ذهنی در سلامت روانی و همچنین جسمی افراد تأکید می‌کند. احساس ذهنی بهزیستی از لحاظ تأمین سلامت روانی و جسمانی و افزایش طول عمر، اثبات ارزش شادکامی برای انسان، اندازه‌گیری شاخص کیفیت زندگی در کنار شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی اهمیت دارد. در واقع احساس ذهنی بهزیستی بزرگ‌ترین آرزو و مهم‌ترین هدف زندگی بشر است که بیش از هر عامل دیگری بهداشت روانی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (عسگری و شرف‌الدین، ۲۰۰۹). همچنین اهمیت معنویت و رشد معنوی در انسان، در چند دهه گذشته به صورتی روزافزون توجه روانشناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب کرده است. پیشرفت علم روانشناسی از یک‌سو و ماهیت پویا و پیچیده‌ی جوامع نوین از سوی دیگر، باعث شده که نیازهای معنوی بشر در برابر خواسته‌ها و نیازهای مادی قد علم کنند و اهمیت بیشتری یابند. به طوری که سازمان بهداشت جهانی در تعریف ابعاد وجود انسان، به ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی اشاره می‌کند و بعد چهارم یعنی بعد معنوی را نیز در رشد و تکامل انسان مطرح می‌کند. یکی از متغیرهایی که می‌تواند در مسیر رشد معنوی نقش مهمی ایفا کند،

¹ Portnova, Ortega-Martín, Zurita-Ortega, & González-Valero

² Donald

³ Lyubomirsky, King, Diener

⁴ Ryff

برخورداری از هوش معنوی است. جاین و پورهیت (۲۰۰۶) هوش معنوی را توانایی تجربه شده‌ای می‌دانند که به افراد امکان دستیابی به دانش و فهم بیشتر را می‌دهد و زمینه را برای رسیدن به کمال و ترقی در زندگی فراهم می‌آورد.

فرلانگ (۲۰۱۲) معتقد است مطالعه بهزیستی افراد و جوامع و ارتقای آن، بزرگ‌ترین چالش عملی بشر پس از پیشرفت در زمینه فناوری، پزشکی، ثروت است و ... است. بنابراین با توجه به اهمیت برخورداری از بهزیستی ذهنی، شناخت عوامل تاثیرگذار یا پیش‌بینی کننده آن اهمیت بسیاری دارد. پرداختن به مسأله بهزیستی ذهنی و اثرات مثبت برخورداری از بهزیستی ذهنی بر مسائل فردی، اجتماعی، روابط میان فردی، شغل، سلامت روان و حتی عوامل شناختی همچون چگونگی قضاوت و داوری افراد از تجارب و رویدادهای زندگی در پژوهش‌های گوناگون نشان داده شده است (دینر، لوکاس ۱ و اویشی ۲، ۲۰۰۳؛ سلینگمن ۳، ۲۰۰۵). از آنجایی که سال‌های مدرسه از دوره‌های سازنده رشد انسانی به شمار می‌آیند، بنابراین محیط مدرسه ابزاری مناسب برای درجه‌بندی سلامت، عزت نفس، توانایی‌های زندگی و رفتار مناسب است (یحیایی و همکاران، ۲۰۱۲). بهزیستی ذهنی یکی از ملاک‌های مرتبط با سلامت روانی است و به ارزیابی افراد از زندگی‌شان اشاره دارد.

۳- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر ماهیت محتوایی توصیفی-همبستگی و از منظر هدف کاربردی و از لحاظ گردآوری داده‌ها پیمایشی و تک مقطعی می‌باشد. شرکت کنندگان در پژوهش حاضر یا به عبارتی جامعه آماری تحقیق، معلمان شاغل در شهرستان نمین به تعداد ۹۰۵ نفر (۴۳۲ نفر زن و ۴۷۳ نفر مرد) در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ می‌باشد. با توجه به پراکندگی موجود در جامعه آماری، امکان بررسی تمام اعضا میسر نیست، از این رو بر اساس جدول مورگان و با بکاربست روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای و نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نمونه‌ای به حجم ۲۷۰ نفر انتخاب شدند. بدین صورت که در مرحله اول مدارس بصورت تصادفی انتخاب شده و بعد، از بین مدارس منتخب، معلمان بصورت تصادفی بعنوان نمونه آماری انتخاب شدند. اطلاعات لازم برای پاسخ به سوال و بررسی فرضیه‌های پژوهش، از طریق پرسشنامه‌های کتبی جمع آوری شد که مشخصات پرسشنامه‌های بکار برده شده در ادامه شرح داده خواهد شد. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و از دو روش توصیفی و استنباطی استفاده شد. در بخش آمار توصیفی جداول تک بعدی و در بخش آمار استنباطی از آزمون رگرسیون خطی چندگانه و ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده شد.

۳-۱: پرسشنامه بهزیستی ذهنی:

این ابزار توسط وارویک ادینور (۲۰۰۷) تدوین گردید. این پرسشنامه ۱۴ سوال داشته و دارای سه بعد خوش‌بینی (گویه‌های ۱، ۲، ۳، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴)، روابط مثبت با دیگران (گویه‌های ۴، ۷، ۹) و انرژی‌یک بودن (گویه‌های ۵، ۶، ۱۱، ۱۳) می‌باشد. نمره‌گذاری پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت بوده و امتیاز مربوط به هر گزینه بصورت (ابدا: ۱، خیلی کم: ۲، گاهگاهی: ۳، بیشتر اوقات: ۴، تا همه اوقات: ۵) تعیین می‌شود. روایی و پایایی این ابزار در پژوهش رجبی (۱۳۹۱) به

¹ Lucas

² Oishi

³ Seligman

تایید رسیده، و در پژوهش حاضر روایی محتوایی ابزار مورد تایید اساتید حوزه علوم تربیتی و روانشناسی قرار گرفته و پایایی آن بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمد؛ که نشان از پایایی مطلوب ابزار است.

۲-۳: پرسشنامه هوش معنوی: این ابزار توسط کینگ (۲۰۰۸) طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه دارای ۲۴ گویه بوده و دارای چهار زیر مقیاس، تفکر وجودی انتقادی (سوالات ۱، ۳، ۵، ۹، ۱۳، ۱۷، ۲۱)، تولید معنای شخصی (سوالات ۷، ۱۱، ۱۵، ۱۹، ۲۳)، آگاهی متعالی (سوالات ۲، ۶، ۱۰، ۱۴، ۱۸، ۲۰، ۲۲) و بسط حالت هشیاری (سوالات ۴، ۸، ۱۲، ۱۶، ۲۴) می باشد. نمره گذاری این ابزار بر اساس طیف لیکرت بوده و درجه بندی آن بصورت (کاملاً نادرست: ۰، نادرست: ۱، تاحدودی درست: ۲، بسیار درست: ۳، کاملاً درست: ۴) می باشد. روایی صوری و محتوایی مقیاس توسط متخصصان علوم تربیتی و روانشناسی مورد تایید قرار گرفته و پایایی آن در پژوهش رقیب و همکاران (۱۳۸۹) با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸ و در پژوهش حاضر ۰/۸۶ برآورد شد.

۳-۳: پرسشنامه خلاقیت کارکنان: پرسشنامه خلاقیت کارکنان توسط لی و همکاران (۲۰۱۴) به منظور سنجش میزان خلاقیت در کارکنان طراحی و تدوین شده است. این ابزار ۱۳ گویه ای بوده و تک عاملی می باشد. نمره گذاری آن بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) به سنجش میزان خلاقیت در کارکنان می پردازد. در پژوهش حدادی (۱۳۹۴) روایی محتوایی و صوری و ملاکی این پرسشنامه مناسب ارزیابی شده و پایایی آن بر اساس ضریب آلفای کرونباخ بالای ۰/۷ بوده است که مناسب می باشد. در پژوهش حاضر نیز پایایی بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ محاسبه شد.

۴: یافته های تحقیق

۴-۱: آمار توصیفی

نتایج توزیع فراوانی جنسیت نشان داد که ۱۲۹ نفر (۶۲/۳۲ درصد) از پاسخگویان خانم و ۷۸ نفر (۳۷/۶۸ درصد) آقا بوده که از بین این تعداد ۱۸۲ نفر (۸۷/۹۲ درصد) مدرک لیسانس، ۲۴ نفر (۱۱/۵۹ درصد) فوق لیسانس، ۱ نفر (۰/۴۸ درصد) مدرک دکتری بودند.

۴-۲: بررسی نرمال بودن داده ها: در صورتی که سطح معنی داری آزمون کمتر از ۰/۰۵ فرض صفر را رد کرده و با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت توزیع داده ها نرمال نیست. در صورتی که سطح معنی داری آزمون بیشتر از ۰/۰۵ باشد فرض صفر را می پذیریم و توزیع داده ها نرمال است. که در جدول (۱) نتایج حاکی از نرمال بودن متغیرهای مورد بررسی است.

جدول (۱): نتایج آزمون کولمگروف-اسمیرنوف جهت تعیین نرمال بودن توزیع متغیرهای تحقیق

متغیر	هوش معنوی	بهزیستی ذهنی	خلاقیت
میانگین	۱۰۱/۱۵	۵۹/۸۰	۵۴/۸۶
انحراف معیار	۱۳/۸۸	۷/۴۴	۷/۷۶
مقدار Z کولمگروف-اسمیرنوف	۰/۰۸	۰/۲۱	۰/۱۸
سطح معنی داری	۰/۰۶۳	۰/۰۵۰	۰/۰۵۶

۵: آزمون فرضیه های تحقیق:

آزمون فرضیه اول: هوش معنوی و بهزیستی ذهنی توانایی پیش بینی خلاقیت در معلمان شهرستان نمین را دارند.

برای آزمون این فرضیه از رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد. جدول زیر نتایج بدست آمده از آزمون این فرضیه را نشان می دهد:

جدول (۲): ضریب تعیین رگرسیون

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعدیل	خطای انحراف از برآورد	دوربین واتسون
	۰/۸۱۵	۰/۶۶۴	۰/۶۶۱	۶/۲۵	۱/۶۵

نتایج جدول (۲) نشان می دهد که ۶۶ درصد از تغییرات متغیر پاسخ (خلاقیات معلمان در شهرستان نمین) ناشی از متغیرهای پیش بین (هوش معنوی و بهزیستی ذهنی) است. همچنین مقدار آماره دوربین-واتسون که عدم خودهمبستگی مانده ها را بررسی می کند، ۱/۶۵ است. اگر مقدار این آماره بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد، به معنی عدم هم خودهمبستگی مانده ها است. که مقدار بدست آمده در جدول فوق، در بازه ذکر شده قرار دارد و این شرط نیز برقرار است. بنابراین خطاها دارای خود همبستگی سریالی نیستند.

جدول (۳): تحلیل واریانس

مدل رگرسیون	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۸۶۳۶/۸۸۵	۲	۴۳۱۸/۴۴۲	۲۱۱/۸۱۶	۰/۰۰۰
باقی مانده	۴۳۶۳/۹۶۸	۲۱۴	۲۰/۳۸۸		
کل	۱۲۹۹۹/۸۵۳	۲۱۶			

تحلیل واریانس به معنای تحلیل تغییرات است، با توجه به اینکه آماره فیشر ($F=211/816$) در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار است. (سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵) می توان بیان کرد که حداقل یکی از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (خلاقیات معلمان شهرستان نمین) تاثیر معنی داری دارد. به عبارتی می توان گفت مدل از وضعیت برازش مناسبی برخوردار است.

جدول (۴): معادله خط رگرسیون

مدل رگرسیون	بتا	آزمون T		ناهمسانی واریانس	
		غیر استاندارد	استاندارد	Sig	تولرانس
	B	S.E	بتا	T	VIF
عرض از مبدا	۶/۴۴	۲/۴۹		۲/۵۹	۰/۰۱۰
هوش معنوی	۰/۳۳	۰/۰۵	۰/۵۹	۶/۳۹	۰/۰۰۰
بهزیستی ذهنی	۰/۲۵	۰/۰۹	۰/۲۴	۲/۵۸	۰/۰۱۱

به منظور بررسی عدم هم خطی متغیرهای مستقل، از شاخص VIF استفاده می شود، در صورتی که مقادیر VIF کمتر از ۱۰ و مقدار تولرانس بیشتر از ۰/۱ باشد، فرض عدم هم خطی متغیرهای مستقل برقرار است، همانگونه که در جدول بالا ملاحظه می شود این دو شاخص شرایط ذکر شده را دارند و در شرایط مطلوبی هستند، بنابراین این پیشفرض رگرسیون چندگانه نیز برقرار است. همچنین نتایج در جدول (۴) حاکی از آن است که رابطه بین هر دو متغیر پیش بینی کننده مورد بررسی با خلاقیات معلمان شهرستان نمین قابل قبول بوده و تاثیر این متغیرها قابل پیش بینی است. به این ترتیب که یک واحد افزایش در هوش معنوی، خلاقیات در معلمان را ۵۹ درصد افزایش می دهد. همچنین برای یک واحد افزایش در بهزیستی ذهنی، ۲۴ درصد امکان افزایش در خلاقیات معلمان شهرستان نمین وجود دارد. در مجموع این دو متغیر ۶۶ درصد از تغییرات متغیر ملاک (خلاقیات معلمان شهرستان نمین) را تبیین می کنند.

آزمون فرضیه دوم: بین هوش معنوی با خلاقیت معلمان شهرستان نمین رابطه وجود دارد. برای بررسی این فرضیه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. که نتایج به دست آمده از آن در جدول (۵) درج شده است:

جدول (۵): مقدار ضریب پیرسون

متغیرهای پژوهش	هوش معنوی	خلاقیت معلمان
ضریب پیرسون	۱	۰/۸۱
مقدار معناداری	۰/۰۰۰	

نتایج جدول (۵) که به بررسی رابطه بین دو متغیر هوش معنوی و خلاقیت معلمان در شهرستان نمین می‌پردازد، نشان می‌دهد که بین هوش معنوی و خلاقیت معلمان در شهرستان نمین رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. همچنین با توجه به یافته‌های میلر (۱۳۸۰: ص ۲۹۹) چون این مقدار در بازه (۰/۸ - ۱) قرار دارد، بنابراین رابطه بسیار قوی در نظر گرفته می‌شود. همچنین از آنجایی که مقدار معناداری ($Sig < ۰/۰۵$) این رابطه معنی‌دار است. طبق این یافته فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بین متغیر پیش‌بین و ملاک رد، و فرضیه پژوهش مورد تایید می‌باشد. آزمون فرضیه سوم: بین بهزیستی ذهنی با خلاقیت معلمان شهرستان نمین رابطه وجود دارد. برای بررسی این فرضیه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. که نتایج به دست آمده از آن در جدول (۶) درج شده است:

جدول (۶): مقدار ضریب پیرسون

متغیرهای پژوهش	بهزیستی ذهنی	خلاقیت معلمان
ضریب پیرسون	۱	۰/۷۸
مقدار معناداری	۰/۰۰۰	

با توجه به ضریب همبستگی پیرسون ($r = ۰/۷۸$ و مقدار معناداری $Sig < ۰/۰۵$) بین بهزیستی ذهنی و خلاقیت در معلمان شهرستان نمین رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش بهزیستی ذهنی، خلاقیت در معلمان و رویکردهای خلاقانه افزایش می‌یابد. طبق نتایج به دست آمده فرض صفر رد و فرضیه پژوهش مورد تایید است.

۶: بحث و نتیجه‌گیری:

با وجود اینکه تغییر و تحولات روزافزون سازمان‌ها را در دو راهی خلاق بودن و یا از بین رفتن قرار داده است؛ ولی سازمان‌هایی وجود دارد که قادر به پرورش و توسعه خلاقیت در کارکنان خود نیستند. در حالی که خلاقیت در کارکنان سازمان را برای بقا و ادامه حیات امیدوار می‌سازد. و از آنجایی که سیستم آموزشی با علایق و استعدادها و شایستگی‌های مختلف روبه‌رو است؛ توجه به خلاقیت و پرورش آن در همه ابعاد، علی‌الخصوص مهم‌ترین عنصر این سیستم یعنی معلمان بیش از پیش لازم و ضروری است. پژوهش حاضر با هدف رابطه خلاقیت کارکنان با بهزیستی ذهنی و هوش معنوی در معلمان شهرستان نمین صورت گرفت. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که هوش معنوی و بهزیستی ذهنی از توانایی پیش‌بینی خلاقیت در معلمان شهرستان نمین برخوردار هستند. و متغیرهای پیش‌بین می‌توانند بیش از نیمی از تغییرات متغیر ملاک (خلاقیت معلمان) را تبیین نمایند. این یافته با نتایج بدست آمده از پژوهش رجب‌دري، المیر، خرمین (۱۳۹۸)، مقیمی خراسانی (۱۳۹۳) و حقیقی و معینی کربکندی (۱۳۹۴) همسو است. در تبیین این یافته

می‌توان اظهار داشت که معنویت، ماهیت کار را تغییر می‌دهد. به عبارتی معنویت و برخورداری از هوش معنوی به زندگی کاری معنا می‌بخشد و باعث می‌شود فرد کارش را ارزشمند پندارد و کارش را ناظر بر هدفی تلقی کند. زمانی که این هدفمندی در کار رشد کند، افراد دست به ابتکار و خلاقیت خواهند زد تا بتوانند آن کار را به بهترین شکل ممکن انجام دهند. به عبارتی می‌توان بیان کرد که بین هوش معنوی و خلاقیت در معلمان رابطه مثبت و معنادار بوده است. همچنین بر اساس نتایج به دست آمده بین هوش معنوی و خلاقیت در معلمان شهرستان نمین رابطه مثبت و معنی‌داری برقرار است. این یافته، با نتایج به دست آمده از پژوهش حقیقی و معینی کربکندی (۱۳۹۴)، صالحی، حسینی (۱۴۰۰) همسو است. در شرح این یافته می‌توان اشاره کرد که هوش معنوی به سازگاری فرد با محیط کمک کرد و آن را با محیط هماهنگ می‌سازد. همسو بودن فرد و عملکردهای آن با محیطی که در آن فعالیت‌های می‌کند می‌تواند وی را به سمت خلاقیت سوق دهد. همچنین معلمانی که از هوش معنوی بالایی برخوردار هستند توانایی مقابله با مسائل و مشکلات در سطوح گسترده را دارند و این ویژگی خود برای خلاقیت و عملکردهای خلاقانه امری ضروری است. بر اساس نظر صالحی و حسینی (۱۴۰۰) نیز، افرادی که از هوش معنوی بالاتری برخوردارند در حل مشکلات پایبندتر هستند؛ همین امر باعث می‌شود که آنان برای حل مسائل پیش آمده و تصمیم‌گیری در موقعیت‌های مختلف، روش‌های گوناگونی را به کار می‌بندند که همین امر بر خلاقیت آنان می‌افزاید. در شرح فرض سوم، بر اساس نتایج به دست آمده بین بهزیستی ذهنی در معلمان با خلاقیت آنان رابطه مثبت و معنی‌داری برقرار است. این یافته با نتایج به دست آمده از پژوهش پیوسته گر و همکاران (۱۳۸۹) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان اشاره کرد که داشتن روحیه‌ای شاد و رضایت از زندگی و شرایط آن می‌تواند بر ایجاد اعمال و بینش‌های نوین، تاثیر مهمی داشته باشد. اگر شادابی و یا خشنودی از کار و محیط آن، در فرد تقویت شود؛ وی با میل و کشش بیشتری دست به ابتکار و آزمون راه‌حل‌های مختلف خواهد زد که این نوع رویکرد، خود برای بروز و توسعه خلاقیت امری ضروری است. علاوه بر اینکه بهزیستی ذهنی می‌تواند زمینه را برای بروز خلاقیت فراهم آورد، می‌تواند کارکنان را نسبت به کارشان متعهد ساخته و غیبت از کار را به حداقل برساند. بر اساس نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود هوش معنوی در افراد تقویت شده و بهزیستی ذهنی در آنان را توسعه داده شود. برای این امر لازم و ضروری است که سیستم به اهداف فردی کارکنان نیز توجه داشته و نسبت به تحقق اهداف کارکنان خود اقداماتی انجام دهد.

۷: محدودیت پژوهشی

از آنجایی که جامعه آماری پژوهش حاضر معلمان منطقه نمین بود ممکن است جامعه آماری به عنوان محدودیت در نظر گرفته شود. همچنین جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های استاندارد استفاده شد، که ممکن است برخی افراد از پاسخ صحیح امتناع داشته باشند و یا از دقت لازم برخوردار نبوده باشند که می‌توان بعنوان محدودیت دوم برای پژوهش حاضر در نظر گرفت.

۸: منابع

بهمنی، جمشید؛ مقیمی‌زارع، فاطمه؛ بهرامی، راضیه؛ اسدی، معصومه. (۱۳۹۷). بررسی ارتباط میان هوش معنوی و هوش هیجانی در دانشجویان پرستاری دانشکده علوم پزشکی آبادان. مجله تحقیقات سلامت در جامعه. ۴(۲): ۴۷-۵۶.
پیوسته گر، مهرانگیز، دستجردی، الهام، و دهشیری، غلامرضا. (۱۳۸۹). رابطه خلاقیت و بهزیستی ذهنی در دانشجویان. مجله علوم رفتاری، ۴(۳) (مسلسل ۱۳)، ۲۰۷-۲۱۳. <https://sid.ir/paper/fa129780>. SID.

- سلطانی، ایرج (۱۳۸۲). راهکارهای نقویت خلاقیت در سازمان، ماهنامه تدبیر، ۱۴(۱۴۱): ۲۶-۳۰.
- حقیقی، محمدعلی، و معینی کربکندی، منصوره. (۱۳۹۴). بررسی رابطه معنویت در کار با خلاقیت کارکنان (مورد مطالعه: کارکنان دانشگاه شهید بهشتی). همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه. SID. [/fa۸۲۶۱۴۲https://sid.ir/paper/](https://sid.ir/paper/fa۸۲۶۱۴۲)
- خسروی، معصومه (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش گروهی ذهن آگاهی بر افزایش هوش هیجانی و هوش معنوی دانش آموزان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- رجب دری، حسین، مال میر، مریم، و خرمین، منوچهر. (۱۴۰۰). رابطه رهبری اخلاقی و خلاقیت کارکنان: نقش تعدیل گر ارتباط مدیر و کارکنان. اخلاق در علوم و فناوری، ۱۶(۲)، ۱۱۴-۱۰۸. SID. [/fa۹۶۷۱۰۴https://sid.ir/paper/](https://sid.ir/paper/fa۹۶۷۱۰۴)
- رحیمی، حمید؛ حسن پور، راحله (۱۳۹۳). رابطه بین هوش معنوی با خلاقیت دانشجویان علوم پزشکی کاشان، فصلنامه آموزش و اخلاق در پرستاری. ۳(۲): ۳۷-۵۳.
- صالحی، لیلی؛ حسینی، سیدمصطفی (۱۴۰۰). رابطه بین هوش معنوی و خلاقیت در دانشجویان دانشکده توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی ایران. مجله بین رشته‌ای دین و سلامت ابن سینا. ۱۱(۱): ۹-۴.
- غباری بناب، باقر؛ سلیمی، محمد؛ سلیمانی، لیلای؛ نوری مقدم، ثنا (۱۳۸۷). هوش معنوی. فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی: ۳(۱۰).
- محرابی، جواد، رهنما، افشین، درستی، علی، و علایی، عباس. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین خلاقیت کارکنان و اثربخشی سازمانی. علوم رفتاری، ۴(۱۱)، ۴۳-۶۰. SID. [/fa۱۹۰۵۵۲SID. https://sid.ir/paper/](https://sid.ir/paper/fa۱۹۰۵۵۲)
- مقدم، زینب؛ محمدقلی، علیرضا (۱۴۰۲). رابطه بهزیستی ذهنی با نگرش به آخرت و معنای زندگی در دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز همدان. نشریه علمی پژوهش‌های آموزش و یادگیری. ۲۰(۱): ۳۷-۲۷.
- نمازیان، مریم؛ توحیدی، افسانه؛ باقری، مسعود (۱۳۹۷). تأثیر آموزش هوش معنوی بر میزان گرایش به تفکر انتقادی و خلاقیت هیجانی. مجله مطالعات آموزش و یادگیری. ۱۰(۱): ۱۸۹-۲۰۵.
- یعقوبی، ابوالقاسم (۱۳۸۷). رابطه‌ی بین هوش معنوی و بهداشت روان دانشجویان دانشگاه بوعلی، مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان

Asrina, F.A.D; Hermawan. A; Siswanto, E. (2020). The Effect Of Spiritual Intelligence and emotional intelligence Through Creativity on Entrepreneurial Intention. *Russian Journal of Agricultural and Socio-Economic Sciences*. 107(11), 206-212

Amabile, T.M., Conti, R., Coon, H., Lazenby, J. and Herron, M. (1996). Assessing the Work Environment for Creativity. *Academy of Management Journal* 39(5): 1154-84.

Amabile, TM. (1996). Creativity in context. Boulder, CO: Westview Publication.

Amabile, T. M. (1998). "How to kill creativity". *Harvard Business Review*, Sept-Oct: pp. 77-87.

Cock, D. (1992). *Managing engineering & thechnology*. New Jersey, Prentice Hall

Diener, E., Heintzelman, S. J., Kushlev, K., Tay, L., Wirtz, D., Lutes, L. D., & Oishi, S. (2017). Findings all psychologists should know from the new science on subjective well-being. *Canadian Psychology/Psychologie canadienne*, 58(2), 87-104

- Ghobari Bonab B, Salimi M, Seliani L, Noori Moghadam S. Spiritual intelligence. *Res Quart Islamic Theol (kalam) Relig Stud*. 2007;3(10):125-47. [Persian]
- Hirst G, Van Dick D, Van Knippenberg D. (2009). A social identity perspective on leadership and employee creativity. *Journal of Organizational Behavior*; 30(7): 963–982.
- Prahalad CK, Hamel G. (1990). The core competence of the corporation. *Harvard Business Review*; 68(3): 79–91.
- Portnova, T; José Luis Ortega-Martín, J.L; Zurita-Ortega, F; González-Valero, G, (2020). The Educational Interrelation of Narrative Creativity and Written Expression Dimensions as an Innovative and Didactic Process in Learning a Foreign Language, *journal Sustainability*. 12(18), 1-14
- Wallas, G. (1926). *the Art of Thought*. New York: Harcourt Brace.
- Wolman, R. (2001). *Thinking with your soul: Spiritual intelligence and why it matters*. New York: Harmony.
- Xia Y, Tang TLP. (2011). Sustainability in supply chain management: Suggestions for the auto industry. *Management Decision*; 49(4): 495–512.

The relationship between employees' creativity and mental well-being and spiritual intelligence in teachers of Namin city

Fardin Foroghi Soha^{*1}

Fariba Izadkhah²

Hakimeh Ghobadi³

Mehrangiz Noori⁴

Abstract

In today's era, the ever-increasing changes and transformations in various economic, political, cultural, social, etc. fields have placed organizations, especially educational systems, in two ways of creativity or the end of life. That is why it is necessary and necessary to pay attention to creativity and creative teachers. The present study was conducted with the aim of investigating the relationship between employees' creativity and mental well-being and spiritual intelligence in teachers of Namin city. The current research is descriptive-correlational in terms of its content and applied in terms of objective and survey and single-section in terms of data collection. The participants in the current research, or in other words, the statistical population of the research, are 905 teachers working in Namin city (432 women and 473 men) in the academic year of 2024-Due to the dispersion in the statistical population, it was not possible to examine all the members, therefore a sample of 270 people was selected based on the Morgan table and by applying the multi-stage cluster random sampling method and stratified random sampling. Thus, in the first stage, schools were randomly selected and then, among the selected schools, teachers were randomly selected as a statistical sample. The necessary information to answer the question and examine the research hypotheses was collected through written questionnaires and Spss software was used to analyze the data and descriptive and inferential methods were used. The obtained results indicate that spiritual intelligence and mental well-being can explain 0/66 of creativity changes in teachers of Namin city. Also, based on the obtained results, the relationship between spiritual intelligence and mental well-being with teachers' creativity was found to be ($r=0/81$) and ($r=0/78$), respectively, which is explained as a very strong and strong relationship based on Miller's table. Based on the obtained results, it is suggested to pay attention to the values and beliefs in the work environment and to create an organizational atmosphere in such a way that teachers can attend the school with freshness and peace of mind.

Keywords

mental well-being, spiritual intelligence, creativity

1. PhD student in educational sciences, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran (corresponding author: fardin.foroghi.2018@gmail.com)

2. Expert in experimental sciences, education, Ardabil province, Iran

3. Expert in professional management of cultural affairs, education in Ardabil province, Iran

4. Educational science expert, education of Ardabil province, Iran